

آشنایی با مرگ از دیدگاه نهج البلاغه

ریحانه بنزاده

طلبه سطح دو

چکیده:

امام علی علیه السلام بر اهمیت یادآوری دائمی مرگ تاکید فراوان داشته‌اند. ایشان معتقد بودند که یاد مرگ، انسان را از غفلت و دنیاپرستی دور کرده و به سوی ارزش‌های معنوی سوق می‌دهد همچنین یاد مرگ انسان را از انجام گناهان باز می‌دارد و او را به سوی طاعت و عبادت خداوند سوق می‌دهد. یاد مرگ ایمان انسان را تقویت می‌کند و او را به یاد خداوند و نعمت‌های او می‌اندازد و در انسان شوق به آخرت و زندگی پس از مرگ را ایجاد می‌کند. با یادآوری مرگ، انسان تلاش می‌کند تا در دنیا اعمال صالحی انجام دهد تا در آخرت رستگار شود. مرگ، گذرگاهی به سوی زندگی جاودان است از نظر امام علی، مرگ نه پایان بلکه آغاز مرحله جدیدی از حیات است. پس از مرگ، انسان به سوی آخرت حرکت می‌کند و پاداش یا عقاب اعمال خود را دریافت خواهد کرد. امام علی علیه السلام مرگ را فرصتی برای بازگشت به سوی خالق دانسته‌اند. ایشان معتقد بودند که انسان در دنیا مهمان است و باید با انجام اعمال صالح، برای بازگشت به سوی پروردگار آماده شود و لازمه این آمادگی این است که ابتدا انسان شناخت کافی از مرگ بدست آورد.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، مرگ.

۱. مقدمه:

پیش از پرداختن به متن اصلی پژوهش، به بیان مسئله و اهمیت آن و اهداف تحقیق و پیشینه، پرداخته می شود:

۱.۱. بیان مسئله:

امام علی علیه السلام به عنوان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام، نگاهی عمیق و جامع به پدیده مرگ داشته‌اند. در آموزه‌های ایشان، مرگ نه تنها پایان زندگی تلقی نمی‌شود، بلکه آغاز مرحله جدیدی از هستی و فرصتی برای بازگشت به سوی خالق دانسته شده است. مرگ، یکی از اساسی‌ترین حقایق زندگی است که همه انسان‌ها با آن روبرو می‌شوند. شناخت دقیق و عمیق از مرگ، می‌تواند به انسان آرامش و آمادگی لازم برای رویارویی با آن را بدهد. مرگ، حقیقتی انکارناپذیر در زندگی انسان است که از دیرباز ذهن بشر را به خود مشغول کرده است. شناخت مرگ و تأمل در آن، می‌تواند به انسان کمک کند تا به عمق وجودی خود پی ببرد و زندگی را با معنایی والاتر تجربه کند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تفکر درباره مرگ، عبرت گرفتن از آن است.

۱.۲. ضرورت و اهمیت تحقیق:

امام علی علیه السلام بر تاثیر شناخت مرگ بر زندگی انسان تاکید داشته‌اند. به عقیده ایشان، یاد مرگ باعث می‌شود که انسان از گناهان دوری کند، به ارزش‌های معنوی توجه کند و زندگی خود را به بهترین نحو سپری کند. شناخت دیدگاه امام علی علیه السلام به مرگ، به انسان کمک می‌کند تا به زندگی خود معنایی عمیق‌تر ببخشد و از هر لحظه آن به بهترین نحو استفاده کند. آشنایی با آموزه‌های امام علی علیه السلام درباره مرگ، ترس از مرگ را کاهش داده و به انسان آرامش و اطمینان خاطر می‌بخشد. شناخت دیدگاه امام علی علیه السلام درباره مرگ، ایمان و معنویت انسان را تقویت کرده و او را به سوی کمال و سعادت سوق می‌دهد. در مجموع، نگاه امام علی علیه السلام به مرگ، دیدگاهی جامع و امیدبخش است که به انسان کمک می‌کند تا با آرامش و اطمینان خاطر به زندگی خود ادامه دهد و برای آخرت آماده شود.

۱,۳.اهداف تحقیق

این تحقیق شامل اهداف متعددی است:

***هدف اصلی:**

آشنایی با مرگ از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه

***اهداف فرعی:**

الف. شناخت مرگ

ب. ضرورت توجه به مرگ

ج. وجوه عبرت دهنده مرگ

۱,۴.پیشینه تحقیق:

پس از بررسی در سایت‌های گوناگون جهت پیشینه یابی، نتایج زیر حاصل شد:

۱.مقاله ای با عنوان " مرگ اندیشی در اندیشه علوی؛ مطالعه کیفی به روش نظریه زمینه بنیاد" با قلم محسن کارگر در سال ۱۴۰۱ نوشته شده است. در این مقاله با هدف کشف مدل مرگ اندیشی دینی بر داده های نهج البلاغه تمرکز شده است. روش تحقیق از نوع روش تحلیل کیفی و به شیوه نظریه زمینه بنیاد است.

۲.کتابی با عنوان "بعد از مرگ به ما چه می‌گذرد؟" نوشته عباس ارموی در سال ۱۳۸۲ است که در آن به جنبه‌های قرآنی بعد از مرگ و رستاخیز اشاره شده است.

ذکر این مطلب لازم است که در این مقاله با نگاهی نو تلاش شده است که مرگ از منظر امیرالمومنین علیه السلام مورد بررسی قرار گیرد و ضرورت یادآوری مرگ و وجوه عبرت گرفتن از آن را به مخاطبان خود گوشزد کند.

۲. مفهوم شناسی

در این قسمت به بررسی مفاهیم واژگان کلیدی پرداخته می‌شود:

۲,۱. معرفی نهج البلاغه

نهج البلاغه کتابی است که تعدادی از خطبه‌ها، نامه‌ها و جملات کوتاه امام علی(ع) در دوران خلافتش را در بر دارد. (مصطفوی الف، ۱۳۶۱ش، ص ۲۳) سید رضی نهج البلاغه را در سال ۴۰۰ ق جمع‌آوری کرده است (تهرانی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲۴، ص ۴۱۳) سید رضی از آل ابی‌طالب و از فقیهان، متکلمان، مفسران و ادیبان شیعه است. (امین، ۱۴۰۶ ق، ج ۹، ص ۲۱۸).

سید رضی مهم‌ترین انگیزه خود از گردآوری نهج البلاغه را، پاسخ به درخواست دوستانش برای جمع‌آوری سخنان فصیح و بلیغ امام علی علیه السلام دانسته است. او در نهج البلاغه، تنها بخشی از سخنان و نامه‌های امام علی(ع) را جمع کرده است که درجه بالایی از فصاحت و بلاغت را دارند. به همین دلیل، وی این اثر را نهج البلاغه (به معنای «راه و طریق آشکار بلاغت») نامیده. (سید رضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۶-۳۴) که به گفته محمد عبده، از علمای اهل‌تسنن، بهترین توصیف برای این کتاب است. (عبده، شرح نهج البلاغه، مطبعة الاستقامة، ص ۱۰)

آن را دایرةالمعارفی از فرهنگ اسلامی، و پس از قرآن و احادیث نبوی، مهم‌ترین منبع برای شناخت اسلام و ارزش‌های دینی می‌دانند، همچنین بعد از قرآن، نهج البلاغه را یکی از کتاب‌های مورد توجه شیعیان برای حفظ کردن معرفی کرده‌اند. (مصطفوی ب، ۱۳۸۶ش، ص ۳۲) رضا استادی در کتابنامه نهج البلاغه نام ۳۷۰ عنوان کتاب پیرامون نهج البلاغه را آورده است که تا سال ۱۳۵۹ش نوشته شده‌اند. (استادی، ۱۳۵۹ش، کل کتاب)

سید محسن امین در کتاب اعیان الشیعه، نهج البلاغه را یکی از بزرگ‌ترین افتخارات عرب و اسلام معرفی کرده است (امین، ۱۴۰۶ ق، ج ۹، ص ۲۱۸) بر اساس گزارش‌ها، بعد از قرآن، نهج البلاغه بیشترین نسخه‌های خطی، شرح و تفسیر را در فرهنگ اسلامی به خود اختصاص داده است و بسیاری از متون ادبی فارسی و عربی، بعد از قرآن، از نهج البلاغه تأثیر پذیرفته‌اند. (رفیعی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۳۱)

۲.۲. مرگ

معنای مرگ در قرآن کریم در قالب لفظ های گوناگونی آمده است که از جمله آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف. موت

ماده (م و ت) بیشترین کاربرد معنای مرگ در قرآن کریم را به خود اختصاص داده، ماده موت ۱۶۵ بار در قرآن به کار رفته است.

ب. قتل

ماده (ق ت ل) مانند:

«قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ؛ مرگ بر این انسان، چقدر کافر و ناسپاس است.» (عبس: ۱۷)

این ماده در قرآن کریم به معنای مرگ حدوداً ۱۵۰ بار به کار رفته است؛ البته این ماده در قرآن کریم ۱۷۰ بار به کار رفته است که برخی از موارد آن به معنای جهاد و... می باشد، نه به معنای مرگ.

ج. هلاکت

ماده (ه ل ک) در قرآن کریم ۶۸ بار به کار رفته است، و در بیشتر موارد به معنای مرگ است؛ مانند: «وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ؛ پیش از این یوسف دلایل روشن برای شما آورد، ولی شما هم چنان در آنچه او برای شما آورده بود تردید داشتید تا زمانی که از دنیا رفت.» (غافر: ۳۴)

در چند قرن اخیر (ه ل ک) برای مرگ با حقارت به کار می رفت اما در عصر نزول قرآن چنین نبوده و خود قرآن نیز "هلاک" را در مطلق مرگ به کار برده است نه مرگ با حقارت. (قرشی، ۱۳۷۷ ش، ج ۵، ص ۱۶۹).

د. وفات

۴. ماده (و ف ی) در ۱۴ آیه برای مردن به کار رفته است، "وفی" در اصل به معنای گرفتن به طور کامل است و به کار رفتن آن درباره مرگ می تواند به این دلیل باشد که مرگ نیستی و نابودی و فنا نیست، بلکه انتقال از عالمی به عالم دیگر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۰، ص ۱۶۷)

کشتزاری نبوده است. این گونه آیاتِ خود را برای آنها که اهل تفکّرند، شرح می دهیم. سرانجام چهره های پراطوت پژمرده می شود.

امام(علیه السلام) این معلّم بزرگ اخلاق در جهانِ انسانیت، در این بخش از خطبه، نخست به این نکته اشاره می فرماید که: آن روز که انسان چشم از جهان بر می بندد نه کسی قدرت دارد مرگ را از انسان دور کند و نه ناله و فریاد بازماندگان مشکلی را حل می کند. امام علی(علیه السلام) به صورت یک استفهام انکاری می گوید: «آیا آنها (بستگان و نزدیکان) می توانند مرگ را از او دفع کنند و یا ناله ها و شیون های آنان برای او سودی دارد، در حالی که به محلّه مردگان سپرده شده، و در تنگنای قبر تنها مانده است؟» گویی دیوار آهنین، به قُطر هزاران متر، میان او و بازماندگانش ایجاده شده است که عبور از آن غیر ممکن است و ناله ها و فریادها تنها می تواند گوشه ای از آلام فراق را برای بازماندگان تخفیف دهد و گر نه کمترین سودی به حال عزیزان از دست رفته ندارد.

سپس در ضمن «ده» جمله کوتاه، سرنوشت جسم و روح انسان را پس از مرگ با این عبارات تبیین می کند: «حشرات موذی، پوست تن او را از هم می شکافند و سختی های گور، بدن او را می پوساند، تندبادها آثارش را نابود می کند و گذشت شب و روز، نشانه های او را از میان بر می دارد؛ بدنهای پس از طراوت، پژمرده و دگرگون می شوند؛ و استخوان ها بعد از توانایی و قدرت، می پوسند و متلاشی می شوند؛ این در حالی است که ارواح در گرو مسئولیت سنگین اعمال خویش اند، و در آنجا به اسرار نهان (قیامت که در این جهان با دیده تردید به آن نگاه می کردند) یقین حاصل می کنند؛ (از همه دردناکتر اینکه) نه بر اعمال صالحشان چیزی افزوده می شود و نه از اعمال زشتشان می توانند توبه کنند.

تعبیری از این جامعتر و کاملتر، و گویاتر و تکان دهنده تر، درباره وضع جسم و روح آدمی بعد از مرگ تصوّر نمی شود؛ بدن به سرعت متلاشی می شود و طعمه حشرات زمین می گردد؛ چهره های زیبا، زبان توانا و عقل های دانا همگی بر باد می روند و جز مشتی استخوان پوسیده و قبرهای ویران شده و گاه به کلی از نظرها محو گشته از آنها باقی نمی ماند.

مصیبت بزرگتر اینجاست که پرونده اعمال به کلی بسته می شود: نمی توان چیزی بر حسنات افزود و نه چیزی از سیئات کاست. آن روز که با یک قطره اشک اگر از سر ندامت و حسرت و در راه توبه، فرو می ریخت دریاها آتش گناه، خاموش می شد، گذشت! و آن روز که با گفتن یک «لا اله الاّ الله» درخت جدیدی در سرزمین بهشت برای گوینده اش کاشته می شد، پایان گرفت و تمام راههای بازگشت به طور کامل بسته شده است.

سپس در آخرین قسمت این فراز از خطبه، چنین می فرماید: «آیا شما فرزندان و پدران و برادرانِ همان مردم نیستید؟! (همان مردمی که اکنون در زیر خاک خفته اند و استخوان های آنها در حال پوسیدن

است و گذشت سال و ماه، حتی آثار قبور آنها را محو کرده است)» اشاره به این که گاهی پدران زودتر از فرزندان از دنیا می روند و گاه فرزندان پیش از پدران و گاه برادران قبل از برادران دیگر؛ هیچ زمان معینی برای پایان عمر هیچ کس وجود ندارد و همه در برابر ورود مرگ یکسانند و بقای هیچ کس تا یک روز و حتی تا یک ساعت، تضمین نشده است!

سپس در توضیح و تبیین این معنا می فرماید: «شما نیز همان برنامه ها را دنبال می کنید، و بر همان طریقه سوار هستید و در همان جاده گام بر می دارید (و سرانجام تندباد اجل می وزد و شما را همچون یک پرکاه با خود می برد و در زیر خروارها خاک دفن می کند و به همان سرنوشت پدران و فرزندان و برادران گرفتار می شوید)»

این احتمال نیز در تفسیر جمله بالا وجود دارد که امام(علیه السلام) در مقام توبیخ و سرزنش آنها می فرماید: با این که سرنوشت پیشینیان خود را دیده اید، درس عبرت نگرفته اید؛ بازهم، همان اعمال و همان روش های غلط و گناه آلود را دنبال می کنید در حالی که باید از آنها درس می آموختید و طریقه آنها را رها می کردید.

سپس امام(علیه السلام) در یک نتیجه گیری به بیان این نکته می پردازد که چرا مردم با دیدن این همه صحنه های عبرت انگیز، پند نمی گیرند و بیدار نمی شوند؛ می فرماید: « ولی افسوس که دلها از گرفتن بهره خویش، سخت و ناتوان شده و از رشد معنوی خود غافل گشته، و در غیر طریق حق گام بر می دارد، گویی غیر آنها مقصود هستند (و مرگ یا فرمان های الهی هرگز به سراغ آنها نمی آید) و گویی نجات و رستگاری آنها در به چنگ آوردن دنیا است»

در یکی از کلمات امیرمؤمنان علی(علیه السلام) می خوانیم که امام(علیه السلام) در حال تشییع جنازه بود ناگهان صدای مردی را شنید که بلند می خندد، امام علی(علیه السلام) ناراحت شد فرمود: گویی مرگ در دنیا بر غیر ما نوشته شده و گویی حق در این جهان بر غیر ما واجب گشته و گویی مردگانی را که می بینیم مسافرانی هستند که به زودی به سوی ما باز می گردند (این چه غفلی است که شما را گرفته از موقعیت خود در این جهان بی خبرید)»

آری، اگر قساوت و سنگدلی بر انسان مسلط نشود و ابرهای تیره و تار غفلت، آسمان روح او را ترک گوید، یک صحنه از سرنوشت پیشینیان برای بیداری همه انسان ها کافی است، تا چه رسد که هر روز این صحنه ها در برابر دیدگان ما تکرار می شود.

قرآن مجید درباره این گونه افراد می فرماید: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ

خَشِيَّةُ اللَّهِ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ؛ سپس دل‌های شما بعد از این واقعه، سخت شد همچون سنگ یا سخت تر، چرا که پاره ای از سنگ‌ها می شکافند و از آن نهرها جاری می شود و پاره ای از آنها شکاف بر می دارند و آب از آن تراوش می کند و پاره ای از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می افتد (اما دل‌های شما نه از خوف خدا می تپد و نه سرچشمه علم و دانش و عواطف انسانی است) و خداوند از اعمال شما غافل نیست»

آری، هنگامی که دنیاپرستی، بر قلب انسان چیره شود، سنگدلی را به همراه می آورد و در چنین حالتی انسان راه روشن سعادت را گم می کند و در بی راهه، گام می نهد و چنین می پندارد که خطاب های الهی درباره نیکوکاران، متوجه اوست و ضمیرها در آیات تهدید و عذاب به دیگران باز می گردد و سعادت و خوشبختی او فقط در گردآوری ذخایر دنیاست.

سپس امام(علیه السلام) به سراغ بعضی از مواقف آخرت و گذرگاه‌های خطرناک آن می رود و از آن پلی به سوی این دنیا زده، مردم را برای آماده شدن جهت حضور در صحنه قیامت و عبور از گذرگاه خطرناک صراط، آماده می سازد. می فرماید: «بدانید عبور شما از صراط و گذرگاه خطرناکِ مردافکنِ آن است! معبری که قدمها در آن می لغزد و خطرات هولناکی، پی در پی دامن انسان را می گیرد»

(پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۳، ص: ۴۰۶-۳۹۱)

نتایج تحقیق

امام علی (ع) مرگ را نه پایان، بلکه آغاز مرحله‌ای جدید از حیات و فرصتی برای بازگشت به سوی خالق می‌دانند. این دیدگاه، به انسان انگیزه می‌دهد تا در زندگی دنیا به دنبال کمال و رشد معنوی باشد.

یادآوری دائمی مرگ از نظر امام علی (ع) باعث می‌شود انسان از غفلت و دنیاپرستی دور شود و به ارزش‌های معنوی توجه کند. این امر به پالایش روح و ارتقاء اخلاق کمک شایانی می‌کند.

همچنین شناخت مرگ و آگاهی از عواقب اعمال در آخرت، انسان را به انجام کارهای نیک و پرهیز از گناه وا می‌دارد. امام علی (ع) مرگ و زندگی را دو روی یک سکه می‌دانند و بر لزوم آمادگی برای مرگ در طول زندگی تاکید دارند. یاد مرگ باعث تقویت صبر، شکیبایی، تواضع، و پرهیز از تکبر در انسان می‌شود.

شناخت مرگ، انسان را به سمت ایجاد روابط سالم و معنوی با دیگران سوق می‌دهد و باعث می‌شود که او به جای دنیاطلبی، به دنبال رضایت خدا و آخرت باشد.

فهرست منابع

*قرآن

*نهج البلاغه

الف. کتب فارسی

۱. بحرانی، ابن میثم (۱۳۷۹ق) شرح نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر کتاب، جلد ۳
۲. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۷ش) ترجمه فارسی الجامع الصحيح و هو سنن الترمذی، موسسه انتشاراتی حسینی اصل، جلد ۴
۳. دوانی، علی (۱۳۸۷ش) سید رضی مولف نهج البلاغه، بنیاد نهج البلاغه، جلد ۱
۴. دشتی، محمد (۱۴۲۲ق) فرهنگ معارف نهج البلاغه، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین
۵. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷ش) قاموس قرآن، تهران: انتشارات دارالکتب اسلامیة
۶. قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش) تفسیر نور، موسسه فرهنگی درسهایی از قرآن، جلد ۷
۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰) پیام امام امیرالمؤمنین، دارالکتب اسلامیة، جلد ۵
۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش) تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة

ب. کتب عربی

۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۴ق)، لسان العرب، بیروت
۱۰. آمدی، ابوالفتح (۱۳۴۶ش) غرر الحکم و درر الحکم، دارالکتب الاسلامی، جلد ۱
۱۱. ابن علی، محمد صدوق (۱۳۸۰ش)، المواعظ، جلد ۱
۱۱. عبده، محمد (۱۴۰۶ق) شرح نهج البلاغه، مطبعة الستقامة، جلد ۱
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳ش) اصول کافی، بی جا، دارالثقلین، جلد ۱
۱۳. مجلسی، محمد تقی (۱۳۹۶ش) بحار الانوار، دارالکتب اسلامیة، جلد ۶
۱۴. مشکینی، علی (۱۳۹۳ش) المواعظ العددیه، موسسه فرهنگی دا الحدیث، جلد ۱

۱۵. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش) التحقيق فی کلمات قرآن الکریم، بنیاد ترجمه و نشر کتاب ، جلد ۲

ج.سایت یا نرم افزار

۱۶. سایت کتابخانه فقاہت

۱۷. سایت اہل بیت

۱۸.سایت نورمگز